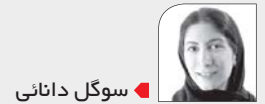


کارشناسان به «اهالی» پاسخ می‌دهند

# از پاتوق تا میدانگاه؛ با فضاهای عمومی شهر چه باید کرد؟

وجود فضاهای عمومی در سطح شهر امروزه یک ضرورت اساسی است. ضرورتی که متولیان امر شهری تلاش می‌کنند تا احداث آن را حتی در برنامه‌های توسعه شهری نیز بکنند. اما شهرداری در دوره‌های پیشین تا چه اندازه در ایجاد این عرصه‌ها موفق بوده؟ این پرسش را با چهار نفر مطرح کردیم؛ مدیرعامل سابق سازمان نوسازی شهرداری تهران از تجربه احداث میدانگاه و پاتوق‌ها در بافت فرسوده گفت. یک مهندس معمار از ویژگی‌هایی که این عرصه‌های شهری باید داشته باشند. یک تسهیل‌گر و کارشناس اجتماعی از تجربه خودش درباره احداث این فضاها سخن گفت و نظر مردم محله‌های کوچک درباره این عرصه‌های عمومی را شرح داد. در پایان یک جامعه‌شناس تأکید کرد که تلقی حوزه عمومی نه به عنوان یک امکان، بلکه به مثابه یک تهدید، حکمرانی شهری را وامی‌دارد تا در رویکردی ابزاری با مقولات دم‌دستی از قبیل «افکار عمومی» گرفتار بماند.



سوگل دانانی

کار دشواری است و باعث می‌شود اجرای این پروژه‌ها با چالش‌های دشواری مواجه شود. مانع دیگری که در سر راه ما قرار داشت، چالش بهره‌برداری است. وقتی شما زمین و منابع اجرا را تأمین می‌کنید و پروژه را به مرحله بهره‌برداری می‌رسانید، ماجرا به اینجا تمام نمی‌شود؛ برنامه مشخصی باید برای نگهداشت و مدیریت فضا داشته باشیم. برای این فضاها باید متولی و برنامه بهره‌برداری مشخصی وجود داشته باشد تا شما بتوانید در تمام روزها و ساعت‌های شبانه‌روز استفاده بهینه را از فضای شهری انجام دهید؛ اگر غیر از این باشد، بعد از مدتی این خطر وجود دارد که فضا به حال خود رها شود یا آن جذابیت‌هایی که می‌تواند اجتماع محلی را به سمت خود بکشاند از دست دهد و کم‌کم تبدیل به فضایی بی‌دفاع شود و خود مجموعه‌ای از معضلات را در محله ایجاد کند. بنابراین هم در موضوع جانمایی و شناسایی پروژه‌های مناسب و هم در حوزه اجرا و هم در حوزه بهره‌برداری، من فکر می‌کنم چالش‌های جدی‌ای وجود دارد که باید به‌درستی به آنها پاسخ داده شود تا این برنامه بتواند به تقویت هم‌افزایی و ارتباط اجتماعی در سطح محلات منجر شود.

## استقبال مردم از فضاهای شهری

شاید من نتوانم پاسخ علمی به این پرسش بدهم که این فضاها تا چه حد مورد استقبال مردم قرار می‌گرفتند؛ زیرا دوره مدیریتی من بیشتر به ساخت این فضاها گذشت. در همان سال آخر تعداد زیادی از این فضاها به بهره‌برداری رسید و در اختیار مردم قرار گرفت. این پرسش چون بیشتر به ارزیابی پس از اجرا باز می‌گردد، لازم است که گروه‌های دیگری در زمان حاضر و حتی بعدتر اقدام به ارزیابی آن کنند، اما اگر به صورت استقرایی بخواهم به این پرسش پاسخ دهم باید بگویم، نمونه‌هایی که من خودم از آنها بازدید می‌کنم عمدتاً با یک استقبال مناسبی از سوی شهروندان مواجه شده‌اند و دلیل آن هم کمبود یا حتی نبود فضاهایی از این دست در محلات و نیاز جدی مردم به آنهاست.

## مدیریت شهری در خلق فضای عمومی موفق بود؟ نیلوفر باغبان مشیری، جامعه‌شناس شهری

وقتی از عملکرد مدیریت شهری در دوره‌ای مشخص و میزان استقبال مردم از آن، طرح پرسش می‌کنیم؛ درحقیقت سؤال ما این است که «مردم چقدر از تصمیماتی که درباره فضای زندگی‌شان گرفته می‌شود، راضی هستند»؛ درحالی‌که شاید بهتر باشد به این پرسش پاسخ دهیم که «مدیریت شهری تا چه حد در فراهم کردن فرصت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری درباره فضای زندگی‌شان درست عمل کرده است؟». دغدغه‌ای که در برنامه سوم توسعه و از اواخر دهه ۷۰ شکل گرفت، مفهوم محله و شخصیت حقوقی آن، حس تعلق، کوچک کردن دایره مدیریت، واگذاری وظایف به دیگران و دست‌یافتن به «شهر زیست‌پذیر، شهروند مشارکت‌پذیر» تعریف شد. تشکیل شورایی‌ها و سرای محلات توسط شهرداری تهران با همین هدف صورت گرفت. اما پژوهشی که سال ۱۳۹۷ از سوی معاونت برنامه‌ریزی توسعه شهری انجام شد، نشان داد که علاوه بر بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی به چنین فضاهایی، بسیاری از ساکنین محلات حتی از محل ساختمان سرای محله نیز بی‌اطلاع هستند. به نظر می‌رسد که درونی شدن روندهای اقتدارگرایانه در سازوکار مدیریت شهری، حتی افراد و گروه‌هایی را نیز که اراده‌ای بر مشارکت دادن بیشتر شهروندان در تصمیمات دارند، وامی‌دارد تا به جای پرداختن صورت‌مسئله در پایین‌ترین سطح تجربه زندگی روزمره شهری، پروژه‌های مشخصی را تعریف کنند و زیست‌کنندگان فضا را میان دو انتخاب قرار دهند که مطالبات خود را به زبان قدرت ترجمه کنند یا اساساً نسبت به چنین برنامه‌هایی بی‌تفاوت باشند.



از سوی دیگر، با وجود بی‌انسجامی و موازی‌کاری‌هایی که در سازمان‌های مرتبط با سیاست‌گذاری شهری وجود دارد، درک عمومی از مدیریت شهری، مقوله همگن و حتی به‌سختی قابل تفکیک از حکمرانی سیاسی به‌طورکلی است. بنابراین، بی‌اعتمادی به شهرداری و ارگان‌های ذی‌ربط، با بی‌اعتمادی به دولت، نهاد قانون‌گذار و... پیوند نزدیکی برقرار می‌کند. در چنین شرایطی، ضعف حوزه عمومی تا اندازه زیادی توجیه می‌شود. وقتی لایه‌های پایینی قدرت از امکان دست‌کاری در نظم‌های فراگیر ناامید می‌شوند، به تبع آن، انگیزه مباحثه درباره مسائل اجتماعی و خلق شیوه‌های متفاوتی برای سامان دادن به فضای زندگی را نیز تا حد قابل توجهی از دست می‌دهند. گرچه فضاهایی نیمه‌خصوصی برای چنین منظوری خلق و به کار گرفته می‌شوند (که دست‌رسی به آنها نیز به‌شدت همراه با نابرابری است)؛ اما در شرایطی که «ساماندهی» به اسم رمزی برای محروم ساختن فرودستان از هر عملیاتی تبدیل می‌شود و هر «اجتماع» می‌تواند به‌طور بالقوه

## تجربه ساخت فضاهای عمومی در بافت فرسوده

### کاوه علی‌اکبری، مدیرعامل سابق سازمان نوسازی شهرداری تهران

ما سال ۱۳۹۷ که در سازمان نوسازی کار احداث میدانگاه در بافت فرسوده را آغاز کردیم، کار جدیدی بود. آن زمان چه در قالب برنامه نوسازی بافت‌های فرسوده شهری و چه به صورت مستقل، تجربه چشم‌گیری از گسترش قلمرو عمومی در شهر تهران وجود نداشت. تک‌تجربه‌هایی مانند احداث میدانگاه میدان ولیعصر یا خیابان هفده شهریور وجود داشتند، اما عمدتاً به عنوان تجارب منفی از آنها یاد می‌شد؛ چون اولاً به نتایجی که مد نظر بود دست نیافته بودند و دوم اینکه این تجارب فراگیر نشده بودند، یعنی به صورت تجارب پراکنده و موردی در برنامه‌های مدیریت شهری باقی مانده بودند. در دوره گذشته ما اعتقاد داشتیم که یکی از کالاهای عمومی مورد نیاز شهروندان که مدیریت شهری باید در اختیارشان قرار دهد، فضاهای شهری است. به اعتقاد ما مهم‌ترین کارکرد این فضاها فراهم کردن بستر و زمینه‌ای برای تعامل اجتماعی است؛ یعنی ایجاد ارتباط و اتصال اجتماعی بین افراد مختلف. خلاصه این موضوع به‌شدت در تهران امروز هم دیده می‌شود (و می‌شود).



ما در سازمان نوسازی آن دوره، در واقع تلاش کردیم بازگشتی به این نوع شهرسازی داشته باشیم و امکانی را فراهم کنیم تا به جز خانه‌ای که مردم در آن زندگی می‌کنند، خیابانی که در آن تردد می‌کنند و فضاهای گوناگونی که خدمات مختلفی را به شهروندان می‌دهند، این کارکرد را به نوعی احیا و باززنده‌سازی کنیم. کارکردی که وظیفه آن به نوعی فراهم کردن بستری برای حضور و ارتباط مردم باشد. این مسئله برای همه شهر ضرورت و اولویت دارد، اما برای ما در سازمان نوسازی شهر تهران چون مأموریت اولمان بحث نوسازی بافت‌های فرسوده شهری بود، اولویت دوچندان پیدا می‌کرد. آن هم از این بابت که محلاتی که در تهران دارای بافت فرسوده هستند، به نوعی محلات کم‌برخوردارتر شهر محسوب می‌شوند، یعنی شما از هر نظر که نگاه می‌کنید، متوجه کمبودهای جدی در این محلات می‌شوید. به همین دلیل تصمیم گرفتیم اولویت ایجاد فضاهای عمومی و شهری را در تهران به محلاتی بدهیم که بافت فرسوده هستند. ما در واقع در آن دوره به نوعی از سیاست تبعیض مثبت استفاده کردیم. یعنی تصمیم گرفتیم بخش عمده‌ای از منابع و امکاناتی را که شهرداری برای ایجاد فضاهای عمومی در نظر گرفته بود، در بافت فرسوده شهر تهران به اجرا برسانیم. در این زمینه هم پروژه‌های متنوعی اجرا شدند؛ از پروژه‌هایی که مساحت ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر داشتند و در مقیاس همسایگی عمل می‌کردند گرفته تا فضاهای ۲ تا ۳ هزار متری که در مقیاس محله کارکرد داشتند تا فضاهای بالای ۱۰ هزار مترمربع که در مقیاس‌های فراتر هم می‌توانستند عمل کنند.

## موانع سדרه سازمان نوسازی

مهم‌ترین ابزار مورد نیاز ما برای ایجاد این فضاها زمین است. باید زمینی در اختیار داشته باشید تا بتوانید از این امکان بهره‌مند شوید. ما در وهله اول در تمام محلات جست‌وجو کردیم تا بفهمیم در کدام مناطق زمین رهاشده، بدون استفاده و متروکه و یا حتی فضاهای بی‌دفاع شهری وجود دارد (که در گذشته اینها با یک انگیزه‌ای تملک و تخریب شدند و هیچ استفاده خاصی از آنها نمی‌شود و در بهترین حالت به عنوان توقفگاه خودرو از آنها استفاده می‌شود). این امکانات متفاوت بودند، بنابراین سطح متفاوتی از فضاهای شهری هم شکل گرفتند؛ به عنوان مثال ما در محله انبار نفت در منطقه ۱۱ توانستیم یک فضای ۷۰۰ مترمربعی را برای این منظور اختصاص دهیم که امروز مرکز محله سیمین از درون آن شکل گرفته است. در مقابل در منطقه ۱۴ چون تملکاتی که روی تونل امیرکبیر در محله شکوفه، حدود ۱۰ هزار مترمربع بود این امکان را برای ما فراهم کرد تا بتوانیم در آن منطقه یک میدانگاه ۱۰ هزار مترمربعی فراهم کنیم. در واقع مهم‌ترین مانع ما در مسیر احداث و ساخت این میدانگاه‌ها و فضاهای عمومی شهر همین زمین است. زمین در تهران کالای گرانی است و به‌دست‌آوردن آن سخت است. باید این نکته را در نظر داشت که در مواردی که زمین آنها قبلاً تأمین شده باشد هم راضی کردن ذی‌نفعان یا ذی‌نفعان برای اینکه این مناطق به فضای شهری و عمومی تبدیل شود، کار بسیار دشواری است. به این دلیل که طبیعتاً مالکان زمین تمایل دارند بیشترین میزان بهره‌برداری را از زمین انجام دهند.

علاوه این موضوع، کمبود منابع مورد نیاز برای اجرای پروژه‌ها یکی از چالش‌های جدی بود که ما با آن مواجه بودیم. در شهری که ساختار بودجه‌بندی آن مبتنی بر پروژه‌های بزرگ مقیاس است و چندین دهه هم این رویکرد را داشته، تغییر دادن این رویکرد و حرکت کردن به سمت پروژه‌هایی که در مقیاس کوچک هستند